

برای اولین بار

شل سیلوراستاین
ترجمه: چیستا یثربی



ملکه و پسر درباری

کتابی از نزدیک قلب

به دو زبان فارسی و انگلیسی



به نام خالق کلام

شل سیلوراستاین
ترجمہ: جیستا یثربی

کتابی از نزدیک قلب

به دو زبان فارسی و انگلیسی



سیلورستاین، شل، ۱۹۳۲-۱۹۹۹.

ملکه قلبها و پری دریایی / شل سیلورستاین / ترجمه: چیستا یثربی.

تهران: نامیرا، ۱۳۷۹.

ISBN 964-7144-07-5

۱۵۰ ص: مصور.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا.

Uncle shelby's kiddie corner

عنوان اصلی:

انگلیسی - فارسی

۱. شعر آمریکایی -- قرن ۲۰ -- ترجمه شده به فارسی. ۲. شعر فارسی --

قرن ۱۴ -- ترجمه شده از آمریکایی. الف. یثربی، چیستا، ۱۳۴۷. -

مترجم. ب. عنوان.

۸۱۱/۵۴

PS۲۵۶۳ / م۸۴

م ۱۶۲

۱۳۷۹

۱۳۷۹

۷۹-۱۵۱۶۵

کتابخانه ملی ایران



تهران / صندوق پستی ۴۸۳۷-۱۴۱۵۵

تلفن و فاکس: ۶۳۵۳۸۳

ملکه قلبها و پری دریایی

شل سیلورستاین

ترجمه: چیستا یثربی

گرافیک جلد و متن: رامین شیخانی با همکاری ندا تولایی

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۹

تیراژ: ۵۰۰۰

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه نیک البرز (زهرابری)

خدمات چاپ: معراج

شابک ۹۶۴-۷۱۴۴-۰۷-۵

ای.ای.ان ۹۷۸۹۶۴۷۱۴۴۰۷۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

ملکه قلبها (شل سیلور استاین) ۱۹/

پیرانی توی کفش ۲۰/

لوبیای سمر آمیز ۲۲/

قایم موشک ۲۴/

مطوری از تلفن استفاده کنیم ۲۶/۶

متعجب ۲۸/۱

بچه ها ۳۰/

کاری نداری بکنی ۳۲/۶

مامان کجاست ۳۴/۶

گولی ها ۳۶/

شعر ۳۸/

پیش ۴۰/

صبحانه ۴۲/

یک آواز پنج ریالی بفوانید ۴۴/

بیایید بسازیم ۴۶/۱

دیگه شیرینی نداری ۴۸/۶

شعر فرسی ۵۰/۱

مراغهای راهنمایی ۵۲/

غول ارغوانی ۵۴/

ملکه قلبها / ۵۶

پزی دریایی (شل سیلور استاین) / ۵۹
همه کار مهمی می کنند به جز من / ۶۰
وقتی در شب راه می رفتم / ۶۲
صدف / ۶۴
مار به آ / ۶۶
بیا مرا ببر / ۶۸
بگذار چیزی باشم / ۷۰
تعجب نکن / ۷۲
لالایی ها، افسانه ها و دروغها / ۷۴
مادر، من برای تو می خوانم / ۷۶
پزی دریایی / ۷۸

* شل سیلوراستاین، شاعر عشق و لبخند و آزادگی

شل سیلوراستاین در ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۲ در ایلینویس شیکاگو متولد شد. بعضی از منابع، سال تولد او را ۱۹۳۰ ذکر کرده‌اند^(۱) پدرش ناتان (Nathan) و مادرش هلن (Helen) نام داشت و نام خودش «شلدن آلن سیلوراستاین» (Sheldon Allan Silverstein) بود. وی در سال ۱۹۵۰ در ارتش آمریکا به خدمت فراخوانده شد و از همان زمان، کار نقاشی کارتونی را برای برخی مجلات (Pacific Stars, Strips) آغاز کرد.

سیلوراستاین از کودکی استعداد ذاتی خاصی در نقاشی و نوشتن داشت. خودش بعدها در جایی می‌نویسد که این دو کار - نقاشی و نوشتن - تنها اموری بودند که وی در آنها موفق بود:

«وقتی بچه بودم، حدود ۱۲ الی ۱۴ سالگی، بیشتر ترجیح دادم که یک بازیکن بیس‌بال باشم و یا با دوستانم معاشرت داشته باشم. اما بیس‌بال بلد نبودم و خوشبختانه دختران و پسران دور و برم هم چندان از من خوششان نمی‌آمد. در

1- Shel Silverstein Collected information (by Sely Friday) Websit by Webmade Easy

این مورد، کاری از دست من بر نمی آمد. بنابراین شروع به نوشتن و نقاشی کردم و خوشبختانه در این دو زمینه کسی را نداشتم که از او تقلید کنم، و یا تحت تأثیرش قرار بگیرم. بنابراین کم کم به سبک خودم دست پیدا کردم و قبل از این که با آثار نویسندگان و هنرمندان دیگر آشنا شوم مشغول کار خلاقه شدم. در واقع حدود سی سالگی بود که به طور جدی با آثار نویسندگان دیگر آشنا شدم. در آن زمان با وجود این که مورد توجه مردم قرار گرفته بودم، اما باز هم کار را به هر چیز دیگر ترجیح می دادم، چون دیگر کار کردن برایم به شکل عادت در آمده بود.^(۱)



معروف ترین آثار سیلوراستاین، آثاری است که او برای کودکان نوشته است، هر چند بیشتر آثار او در گروه سنی خاصی نمی گنجد و به نظر می رسد که همه آدمها در هر سنی می توانند مخاطب او قرار بگیرند، حتی آثاری از او که در کتابفروشیهای کودک به فروش می رسد، باز هم از سوی مخاطبان بزرگسال مورد توجه زیادی قرار می گیرند و این از ویژگیهای خاص اشعار اوست که همه گروههای سنی می توانند با آن همذات پنداری کنند. چرا که اشعار او، در عین برخورداری از عنصر طنز، صریح، ساده و تکان دهنده هستند و هر یک، جنبه ای از زندگی را از بُعدی جدید به نمایش می گذارند. بُعدی که با نظریات شناخته شده فلسفی، روان شناختی و جامعه شناسی کاملاً تفاوت دارد و نوع نگاه و فلسفه جدیدی را به زندگی مطرح می کند. فلسفه ای که در طی آن، انسان با ابزار طنز و سادگی، به درک صادقانه ای از خود و جهاناش نائل می شود، سبک نگارش

۱- منبع: اینترنت (همان سایت)

سیلوراستاین، سرشار از شور و انرژی، احساسی ریتمیک، نجوا و فریاد است. ویژگی اساسی نگاه او، آزادی و رهایی از هر گونه قید و بندی است که احساس و ادراک انسان را دچار قالبها و کلیشه‌های از پیش تعریف شده کند. خود او در مقدمه کتاب «چراغی زیر شیروانی» می‌گوید: «من آزادم، هر کجا که دلم می‌خواهد می‌روم و هر کاری که دلم می‌خواهد انجام می‌دهم و معتقدم هر کسی باید چنین زندگی کند. نباید به هیچ کس وابسته بود»^(۱)

بسیاری از کسانی که فکر می‌کنند سیلوراستاین تنها نویسنده‌ای برای کودکان است، وقتی می‌فهمند که بزرگسالان بیشتر از کودکان، از آثار او استقبال می‌کنند، بسیار متعجب می‌شوند. یک معلم کلاس دوم دبستان، در این مورد برای سیلوراستاین نوشت: «آقای سیلوراستاین وقتی فهمیدم شما آثاری هم برای بزرگسالان خلق کرده‌اید، خیلی تعجب کردم. در واقع شوکه شدم...»

اما بزرگترها سیلوراستاین را بخشی از وجود خود می‌دانند، چرا که حرفهای ناگفته آنها را با زبان طنز بیان می‌کند.

وقتی که سیلوراستاین در سال ۱۹۶۰، نخستین کتاب کودکش را به نام «درخت بخشنده» به چاپ رساند، خیلی زود به عنوان نویسنده موفق کودکان به شهرت رسید. هجو، نوعی حماقت ماهرانه و بازی استادانه با لغات، از ویژگیهای کار اوست. گویی که او با طبیعت انسانهای هر سنی آشناست و جالب این جاست که سیلوراستاین هرگز از قبل تصمیم نگرفته بود نویسنده یا تصویرگر کتابهای کودکان شود.

یکی از دوستانش به نام «تومی آن گِرر» (Tomi Ungerer) او را به دفتر دوستش

۱- منبع: اینترنت - همان سایت

اورسلا-نوردستام (Ursula Nordstrom) برد و او سیلوراستاین را قانع کرد که برای کودکان بنویسد. اولین کتاب او «درخت بخشنده» که بعدها با موفقیت زیادی روبرو شد، ابتدا توسط یکی از ویراستاران به نام «ویلیام کول» (William Cole) مردود شناخته شد. کول حس می‌کرد که کتاب میان ادبیات کودک و بزرگسال دست و پا می‌زند و چون مخاطب مشخصی ندارد، فروش خوبی نخواهد داشت. اما از دید سیلوراستاین این داستان درباره دو گروه از آدمهاست. یک نوع از آدمها که دهنده و نوع دیگر که گیرنده هستند و البته بعدها هر دو گروه کودک و بزرگسال از این کتاب استقبال کردند، کتاب «رقصهای مختلف» نیز (different dances) حاوی مجموعه شعرها و قصه‌هایی برای کودکان است که بزرگسالان نیز به نوعی مخاطب آن هستند. چون نویسنده از ورای طنز، نگاهی به پوچی و هرج و مرج حاکم بر جامعه بزرگسالان دارد.

سیلوراستاین، با نگاه دو گانه و طنزآمیز خود، نویسنده‌ای است که تحت هیچ قالب معین و بر چسب خاصی نمی‌گنجد، همان گونه که روح جسور و آزادش هیچ گونه محدودیتی را بر نمی‌تابد. او بی‌گمان، نویسنده، طنز پرداز، شاعر و فیلسوف بزرگ دلهای پرتپش و سرزنده است. حال چه این دلهای در سینه کودکان جای داشته باشند، و چه در سینه بزرگترها.

سبک بدعت گذاری او، نو و منحصر به فرد است، چرا که به قول خودش: «خوشبختانه کسی در اطرافم نبود که از او تقلید کنم، پس راه خودم را دنبال کردم».



«ملکه قلبها و پری دریایی» مجموعه اشعار سیلور استاین در دو کتاب جداگانه است. «ملکه قلبها»، نام شعری است که سیلور استاین در کتابی تحت

عنوان «کنج کودکانه عموشلیبی» (Uncle Shelby's Kiddie Corner) همراه اشعار دیگر، به چاپ رسانده است، و «پری دریایی» شامل مجموعه اشعار عاشقانه سیلوراستاین است که همگی به ترانه بدل شده‌اند. هر یک از این دو مجموعه، ما را با بُعد جدیدی از روح شاعرانه و لطیف سیلوراستاین آشنا می‌کنند. طنز شیرین اشعار «ملکه قلبها» باعث می‌شود که نکات تربیتی نهفته در اشعار به راحتی به دل بنشینند. نکاتی که با نوعی آشنازدایی و وارونه‌سازی دستورالعمل‌های تربیتی والدین و مربیان تربیتی همراه است. اما علاوه بر خنده، نوعی بینش جدید نسبت به ساختار اصول تربیتی کلاسیک پدید می‌آورد، به گونه‌ای که کودک با خواندن اشعاری «چون کاری نداری بکنی؟»، «چگونه از تلفن استفاده کنیم»، «کولی‌ها» و «بیایید بسازیم» در عین اینکه دو مفهوم نیکی و شرارت را در کنار هم می‌آموزد، به دلیل فضای رهای اشعار سیلوراستاین، قدرت انتخاب میان آن دو را پیدا می‌کند و به دلیل ساختار زدایی از اصول تربیتی کلیشه‌ای، به نتیجه دلخواه می‌رسد. بدون اینکه این اشعار، احساس پند و اندرز و یا آموزش مستقیم را القاء کند و این راز طنز سیلوراستاین است که در عین آزادگی، درس زندگی می‌دهد و کودک و بزرگسال را در هر لحظه با تقابل خیر و شر مواجه می‌کند و او را در تصمیم‌گیری نهایی آزاد می‌گذارد، به شرطی که بتواند عواقب انتخابش را پذیرا شود.

اما در بخش دوم کتاب - «پری دریایی» - با چهره جدیدی از نگاه سیلوراستاین به جهان آشنا می‌شویم و آن سیلوراستاین پرشور و عاشق است. سیلوراستاین در این اشعار، ما را با مفهوم همه‌گیر انسانی عشق آشنا می‌کند و این که عشق به هیچ سن و گروه و نژادی تعلق ندارد، بلکه اصولاً عشق، تعریف انسان است و جالب اینجاست که در هیچیک از اشعاری که از سیلوراستاین به فارسی برگردانده شده است، ما ردپایی از سیلوراستاین عاشق ندیده بودیم. در

اینجا نیز سیلور استاین، قبل از اینکه آموزگار باشد، دوست ماست و قبل از اینکه تعلیم و یا اندرز دهد، تجربه‌های شخصی و صمیمی‌اش را با ما در میان می‌گذارد. از عشق او به مادرش گرفته تا محبت و توجه او نسبت به ولگردی در خیابان، که تنها چند جمله را تکرار می‌کند و... همه این لحظه‌های عاطفی، ما را در حس انسان‌دوستی و تعریف عاشقانه سیلور استاین از هستی شریک می‌کند. این اشعار اگرچه به طور پراکنده در مجلات مختلف به چاپ رسیده‌اند، اما امروزه همگی به ترانه بدل شده‌اند و حسن آنها این است که مانند سایر اشعار سیلور استاین با هر گروه سنی و هر قلب تپنده‌ای، ارتباط برقرار می‌کنند. سیلور استاین به حق، شاعرِ عشق، لبخند و آزادی است. سه ویژگی که از دیدگاه او در نهایت بی‌نیازی و رهایی امکان‌پذیر است و این راز ماندگاری شاعرانی چون سیلور استاین است که گویی به همه زبانها و برای همه مردم جهان، شعر گفته‌اند و به جای همه مردم جهان گریه کرده و یا عاشق شده‌اند، و گویی که با شعر خود، شادی و اندوه همه مردم جهان را در کلامی ابدی پاس داشته‌اند... □

کتاب‌شناسی سیلور استاین:

- * ده را بگیر (۱۹۵۵) (Take ten)
- * جورابه‌ایت را بچسب! (۱۹۵۶)
- * گزارشی از هیچ کجا (۱۹۶۰)
- * کتابی پر از بیهودگی (۱۹۶۰)
- * کتاب ABZ عمو شلبی (۱۹۶۱)
- * لافکادیو، شیرینی که جواب گلوله را با گلوله داد (۱۹۶۳)
- * یک زرافه و نیم (۱۹۶۴)

- * درخت بخشنده (۱۹۶۴)
- * کسی یک کرگدن ارزان نمی خواهد؟ (۱۹۶۴ بازنویسی ۱۹۸۳)
- * باغ وحش عمو شلبی (به گلامپ تنه زنید) (۱۹۶۴)
- * تی وی جیبی (دیالوگ شخصی شما برای نمایشی دیر هنگام) (۱۹۶۵)
- * جایی که پیاده رو پایان می یابد (۱۹۷۴)
- * قطعه گمشده (۱۹۷۶)
- * رقصهای مختلف (۱۹۷۹)
- * چراغی زیر شیروانی (۱۹۸۱)
- * ملاقات قطعه گمشده با دایره بزرگ (۱۹۸۱)
- * بالا افتادن (۱۹۹۶)

تقدیم به همه بچه‌هایی که دلشان گرفته است

به این امید که یک روز

یک روزِ نزدیک و زود

دلشان باز شود

این کتاب هدیه‌ای است برای شما...

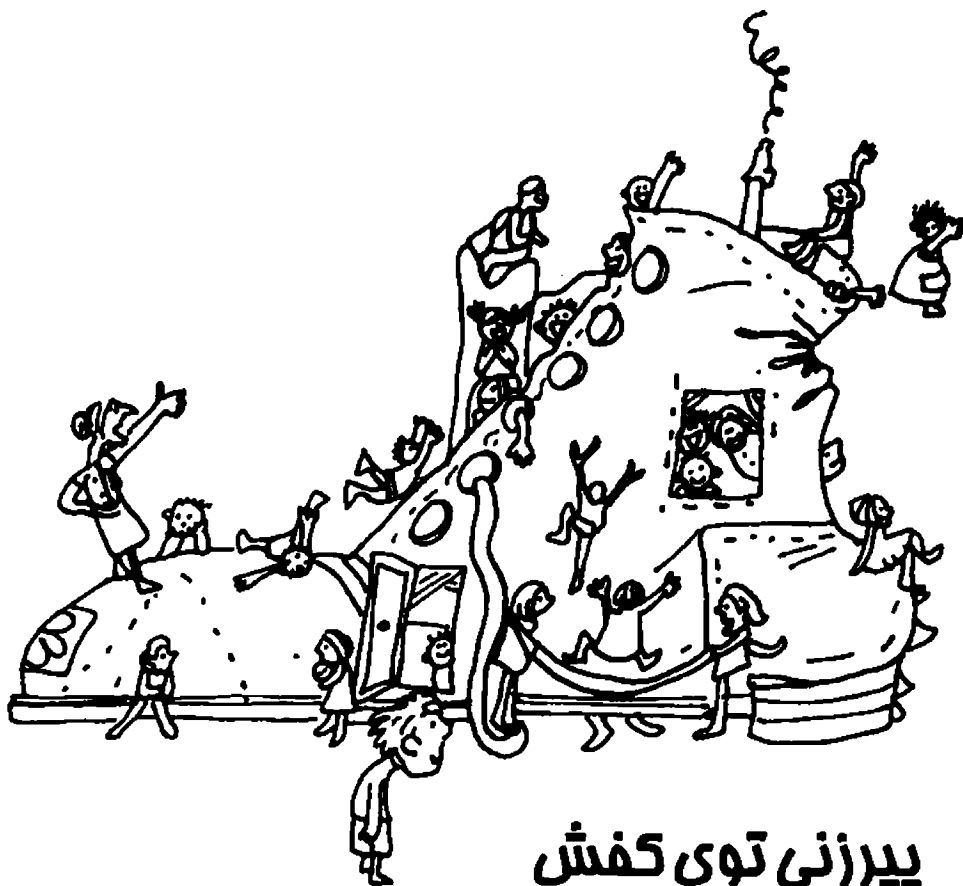
چیسنا یثربی

از وقتی که عاشق شدم
فرصت بیشتری پیدا کردم
فرصت بیشتری برای این که پرواز کنم و بعد زمین بخورم!
و این عالی است!...
هر کسی شانس پرواز کردن و به زمین خوردن را ندارد
تو این شانس را به من بخشیدی
متشکرم!

شل سیلور استاین
از شعر (چند سال بیشتر)

مکتبہ

شل سیلوراستاین



پیرزنی توی کفش

پیرزنی بود که توی کفش زندگی می کرد
و اونقدر بچه داشت
که نمی دونست با اونا چیکار کنه
اما بالاخره مشککش حل شد
و نگرانی هاش تموم شد
اون هم درست وقتی که یک نفر
پاشو توی کفش کرد!

The old Woman in the shoe

**There was an old woman who lived in a shoe
She had so many children she didn't know what to do
But her problem was solved
And her worries were through
When someone put his foot in the shoe.**

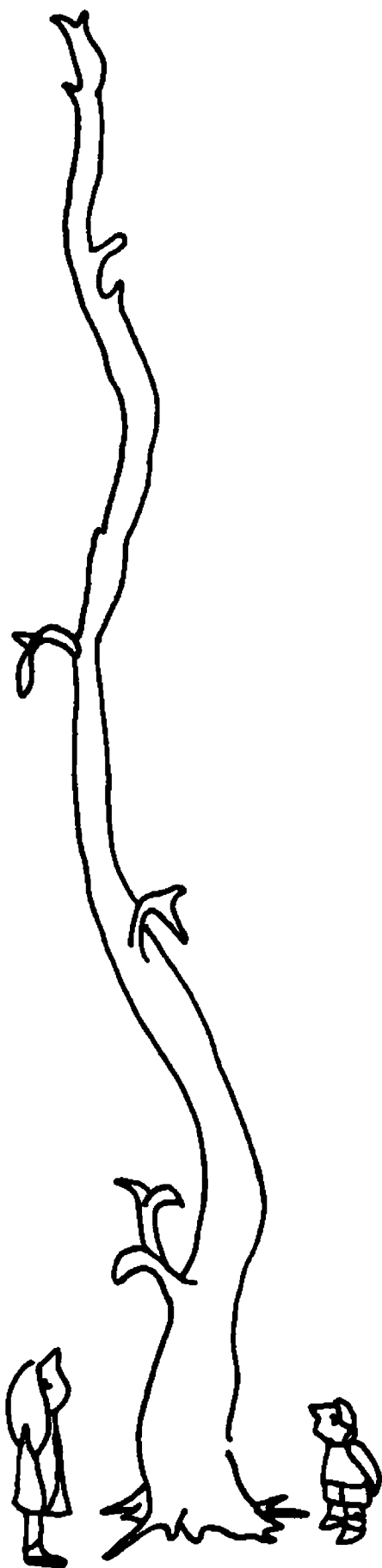
لویای سحرآمیز

امشب از فروشگاه کمی لویا بخرید
و اونا رو توی زمین بکارید
اون وقت شاید کم کم
صاحب یه لویای سحرآمیز بشین
که شما رو به آسمان بیره ...
اما اگه جاش ، تنها یه علف هرزه احمق از زمین در اومد
یه وقت از من گله نکنین ...

Magic Beans

Take some beans
From supper tonight
And plant them
And by - and - by,
You may have a beanstalk

That reaches to the sky
But if a silly
Little weed
IS ALL YOU ever see,
Don't
Blame
Me...



قایم موشک

کجا قایم بشی؟
کجا قایم بشی؟
زیر تخت یا توی راهرو؟
شرط می بندم
که اونا هیچوقت پیداات نمی کنن
اگه توی مونترال^۱ قایم بشی...!

۱ - شهری در کشور کانادا

Hide and Seek

Where to hide? where to hide?

Under the bed or in the hall?

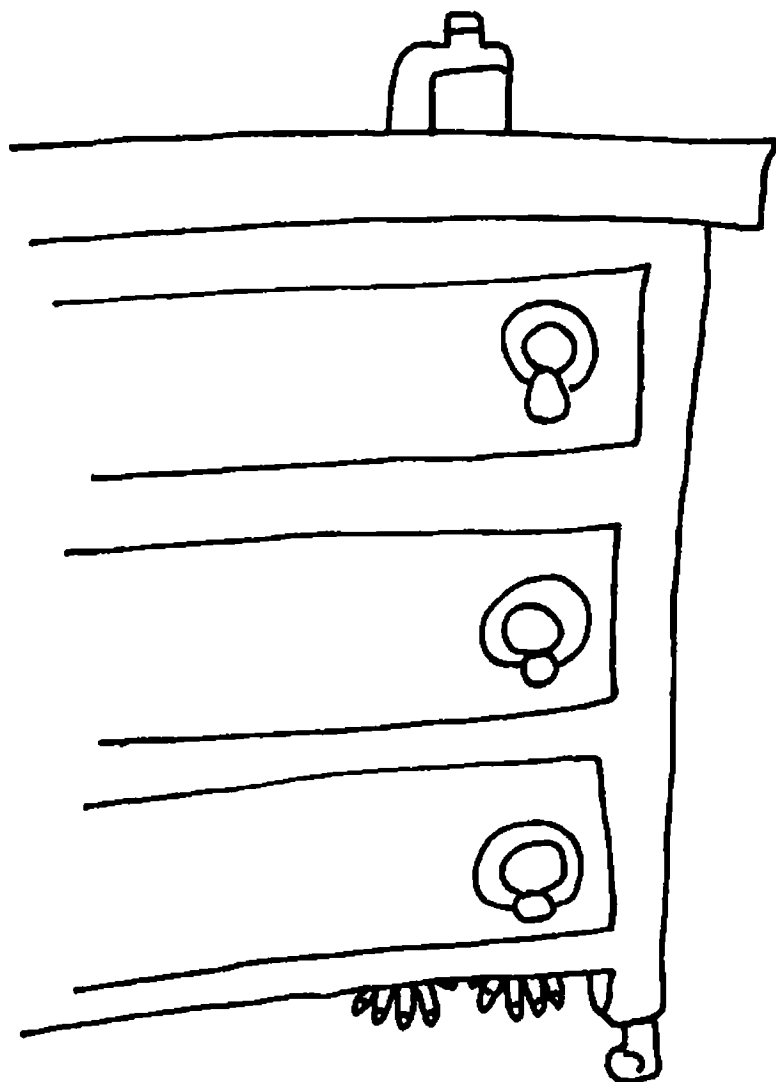
I'll bet

They'd **never**

Find you

If you hid

In montreal...!



چطوری از تلفن استفاده کنیم؟

آیا تنهایی؟

خب برو سراغ تلفن

حالا به چند تا شماره فکر کن

از یک تا نه ...!

عالیه

حالا همه شماره ها رو یکی یکی بگیر،

(داری به یکی زنگ می زنی)

حالا صبر کن که یکی گوشی رو برداره،

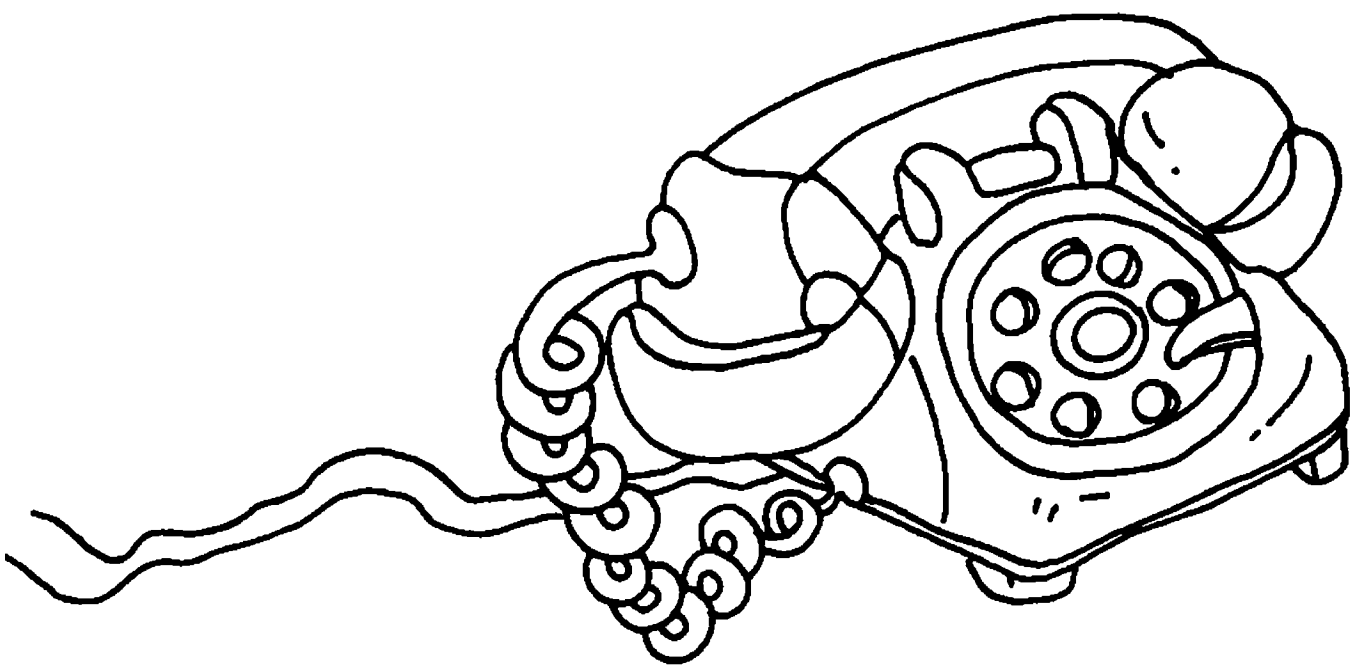
بعد...

برقی گوشی را بگذار زمین!

بعد چند دقیقه بنشین

به لبخند بزن

و بعد دوباره از اول شروع کن!

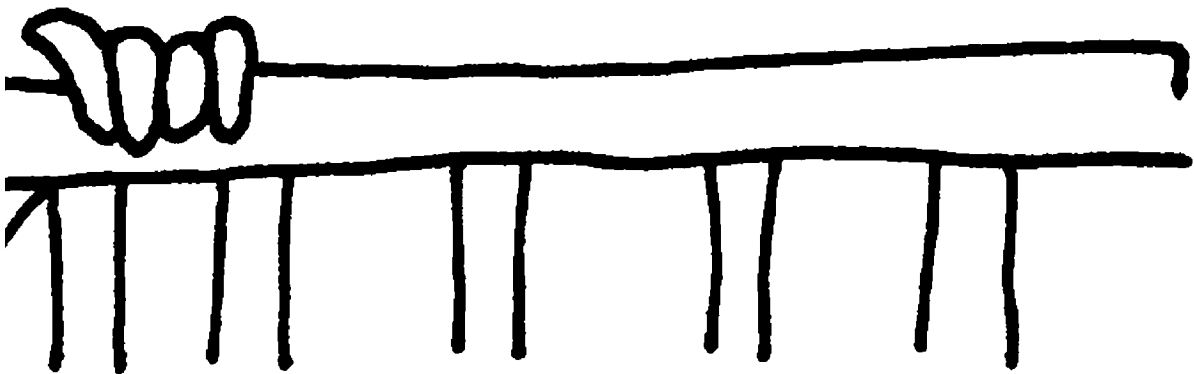


How To USE The Telephone

Are you all alone?
Well go to the phone
Now think of some numbers
From one to nine-!
That's fine.
Now dial them all.
You're making a call!)
Now wait till somebody answeres,
Then...
Splickety - lick
Hang up quick!
Then sit for a while
And have a smile...
And start all over again!

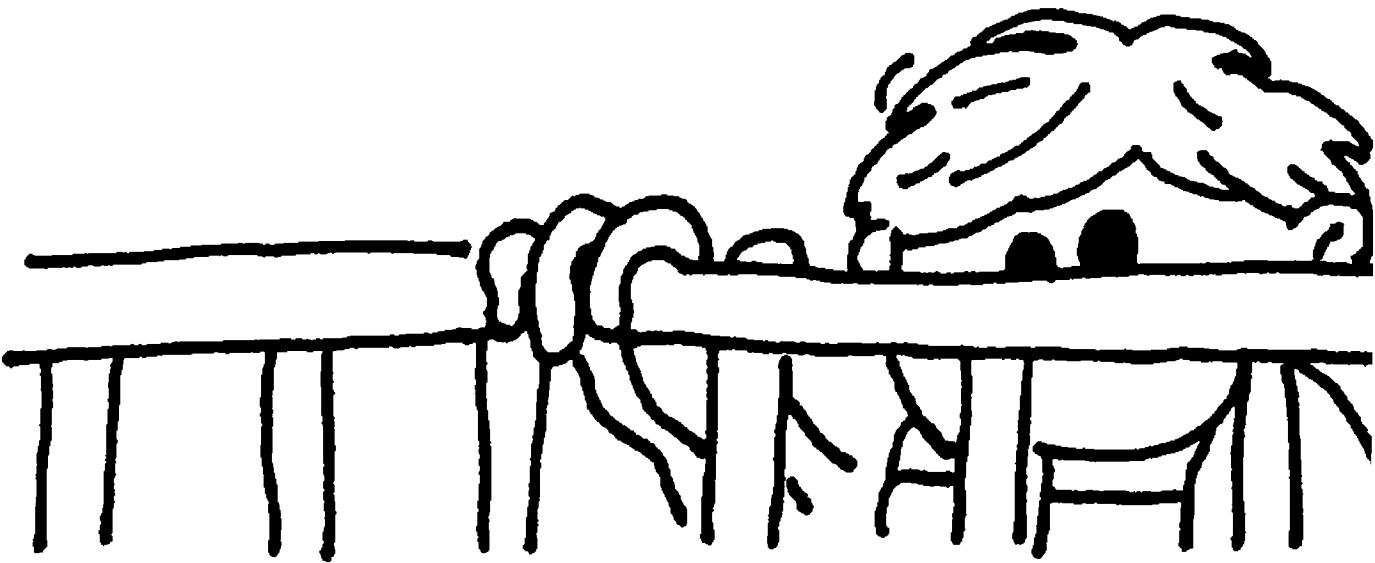
متعجب ا

پسر جهنده رو بینین
اون ۱۲ پاند و ۷ انس وزنشه
گرد و کوچولو
مثل یه توپ
تعجب می کنین که بهش می گن
پسر جهنده...؟



Wondering

See the bouncing baby boy...
He weighs 12 pounds and 7 ounces.
Round and small,
Just like a ball.
Don't you wonder if he bounces...?



بچه‌ها

آیا من بچه‌ها رو دوست دارم؟
بله ، البته !
آب پز ، سرخ شده و دم پختشونو...



Children

Do I love children?

Yes, I do!

Boiled, broiled or in a stew.

کاری نداری بکنی؟

کاری نداری بکنی؟

کاری نداری بکنی؟

کاری نداری؟

خب پس به کم خردل بریز تو کفشت

جیب تو پر از دوده بخاری کن

به میخ توی کفشت بگذار

به کم شکر بریز تو موها

اسباب بازیها تو بالای پله ها بچین

به کمی پاستیل توی قفل در بچسبون

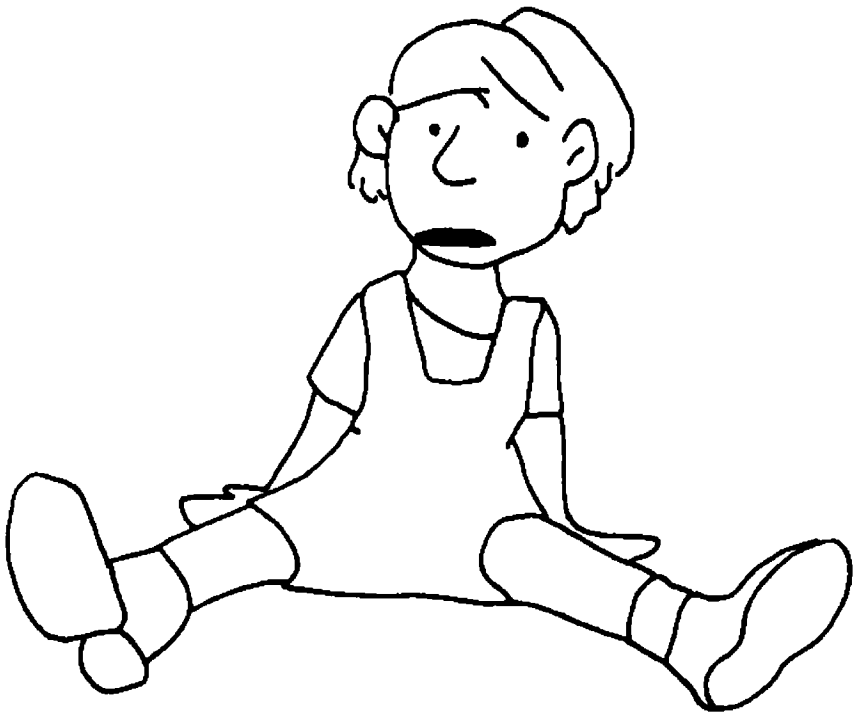
آشغال بخور، به کبریت روشن کن

به نقاشی روی دیوار بکش

چند تا تبله توی راهرو غل بده

حالا برو بغل مادر

چشماتو ببند و به کم چرت بزن!



Nothing to do?

Nothing to do?

Nothing to do?

Put some mustard in your shoe.

Fill your pockets full of soot.

Drive a nail in to your foot.

Put some sugar in your hair

Put your toys upon the stair

Smear some jelly on the latch

Draw a picture on the wall

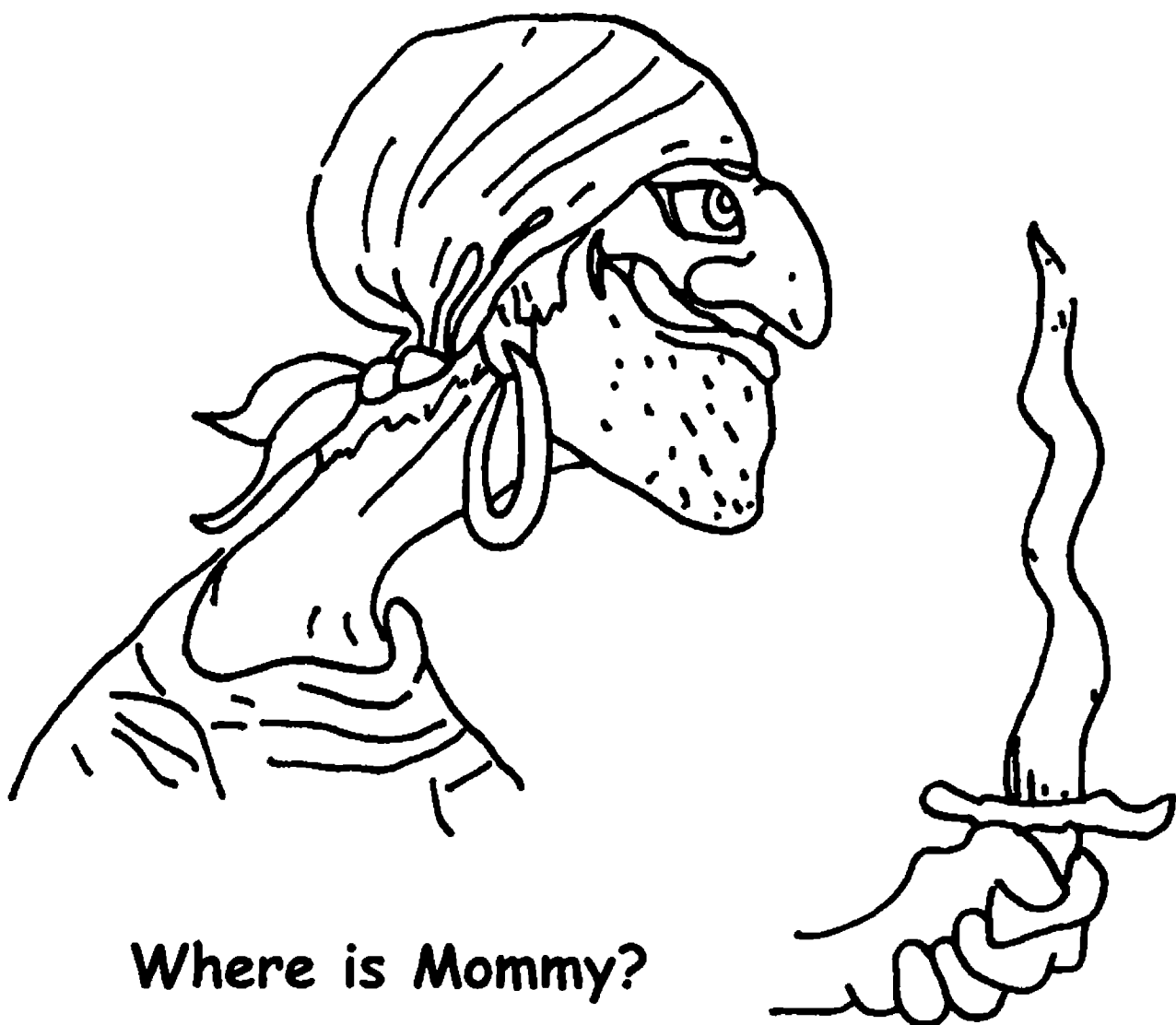
Roll some marbles down the hall

Now curl up in mommy's lap

Close your eyes and take a nap.

مامان کجاست؟

مامان رفته خرید
ولی نگاه کن!
ساعت یک ربع به چهاره!
شاید به دزد دریایی اونو دزدیده!
و اون دیگه
هیچ وقت به خونه برنگرده...!



Where is Mommy?

**Mommy has gone
To the store.
But, look, its a quarter
To four.
Maybe a pirate has kidnapped her
And she won't be home
Anymore...!**



کولی‌ها

آدمهای پیر می گویند:
کولی‌ها می آیند
تا بچه‌های کوچک را بخرند
و با خود ببرند
پنجاه سنت برای بچه‌های بزرگتر
و بیست و پنج سنت برای کوچکترها
چهل سنت برای تپل‌ها
و یازده سنت برای قدبلندها
یک دلار برای بچه‌های شوخ و شنگ
و یک سکه سیاه برای بچه‌های دُمق
بچه‌ها، وقتی کولی‌ها برای خریدن شما می آیند
گریه دردی از دردتان دوا نمی کند
(اما بین خودمان باشد،
آنها هرگز بچه‌های بد را نمی خرند!)

THE Gypsies

The gypsies are coming
The old people say
To buy little children
And take them away
Fifty cents for big ones
A quarter for the small ones
Fourty cents for fat ones
Eleven cents for tall ones
A dollar for the happy ones
A nickle for the sad ones
And kiddies when they come to buy
It won't do any good to cry
(But just between yourself and I, **THEY NEVER BUY the**
bad ones!)

شعر

لطفاً مرا

مسـ

خره

نکنید

ولطـ

فاً

به من

نخند

بد آسا

ن نیست

نوشتـ

ن شعور

وی گردن

زرافه ای

که در حا

لِ فرارِ کر

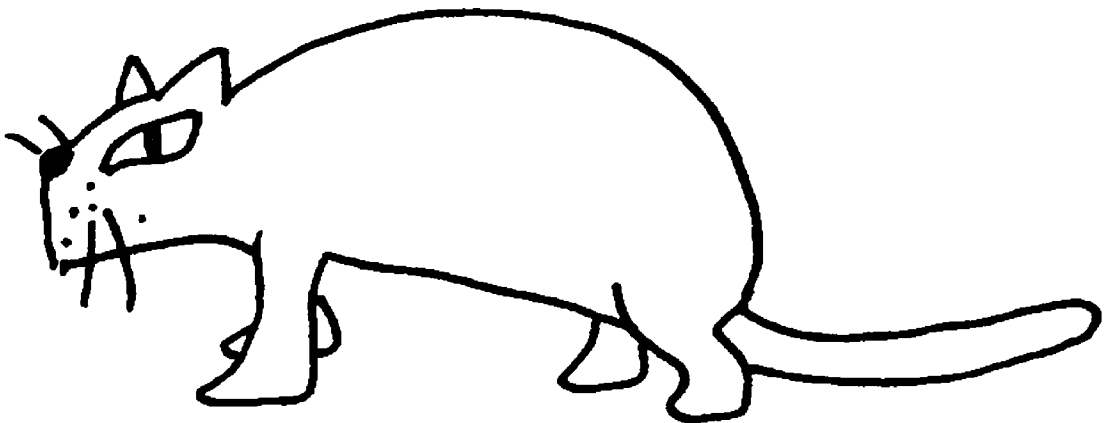
دن است .

Poem

PLEA
SE DO
NOT M
AKE F
UN OF
ME AN
D PLE
ASE D
ON'T L
AUGH
IT IS
N'T EA
SY TO
WRITE
A POE
M ON
THEN
ECK O
F A R
UNNIN
G GIR
AFFE.

پیشی

ییا، پیشی، ییا!
با پشمت که مثل ابریشم نرم است، ییا
ییا و شیر سمی ات را نوش جان کن!

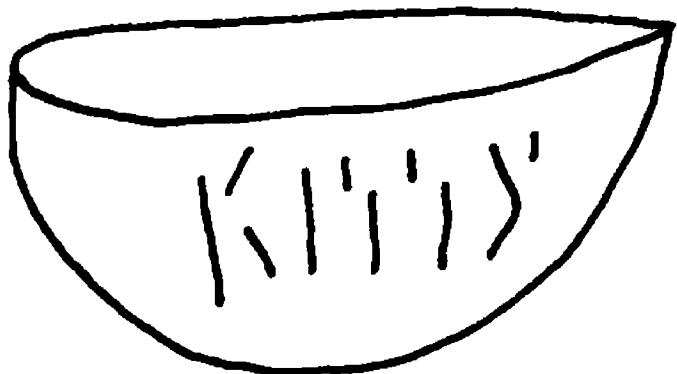


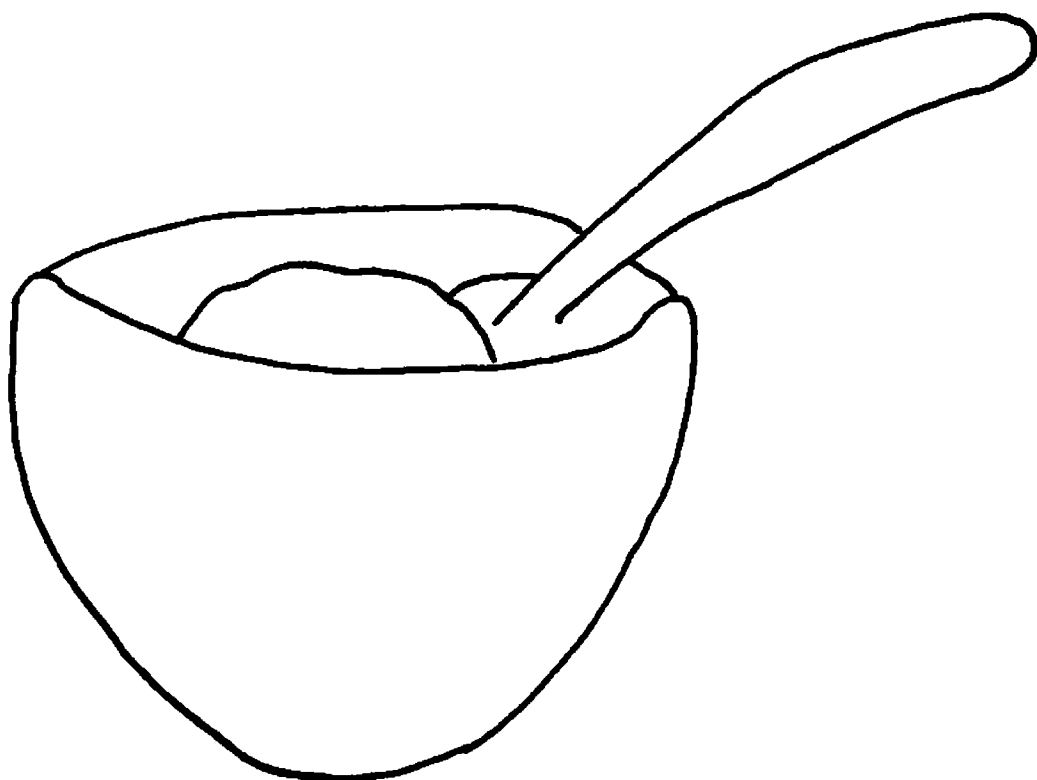
Kitty

Come, kitty, kitty...

With your fur as soft as silk.

Come and drink your poisoned milk.



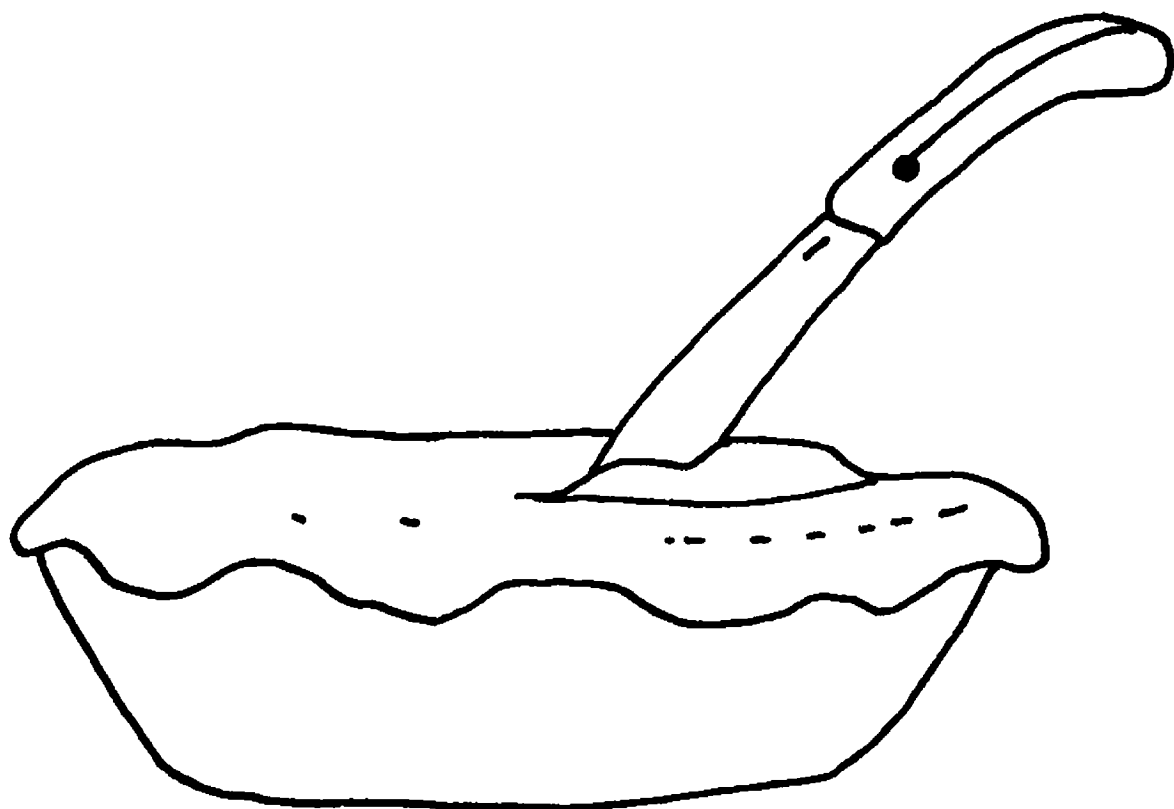


صبحانه

سوپ شوربای ما اینجوری از گلویمان پایین می رود:
گلوپ ، گلوپ ، گلوپ !
حالا محض شوخی آن را اینجوری تف می کنیم بیرون :
تُپ ، تُپ ، تُپ .

Breakfast

**Down goes our oatmeal
Glup, glup, glup!
Now, just for fun, we spit it
Up - up - up!**



یک آواز پنج ریالی بخوانید

یک آواز پنج ریالی بخوانید
یک جیب پر از گندم سیاه
بیست و چهار پرندۀ سیاه
پخته شده نوی پیراشکی گوشت
وقتی پیراشکی باز می شه
همۀ پرنده های سیاه
با همدیگه پخته شدن و مُردن ...
با پرهای سوخته و بو گرفته
آه.....!

Sing a Song of Six pence

**Sing a song of sixpence
A pocket full of rye
Four and twenty blackbirds
Baked in a pie
When the pie was opened
There were all the blackbirds
Cooked together - dead - with
All their feathers burnt off
AURGH!!**

بیایید بسازیم ۱

بیایید برای عروسک خواهرمان

یک خانه بسازیم

اول چند تکه چوب می بریم

بعد آنها را تاجایی که می توانیم

درست به هم میخ می کنیم

و بعد با مقوا

برایش یک دودکش قرمز درست می کنیم

و با چوب کبریت

یک تختخواب کوچک عروسک می سازیم

و سپس با کمی چسب و پونز

شیروانی درست می کنیم

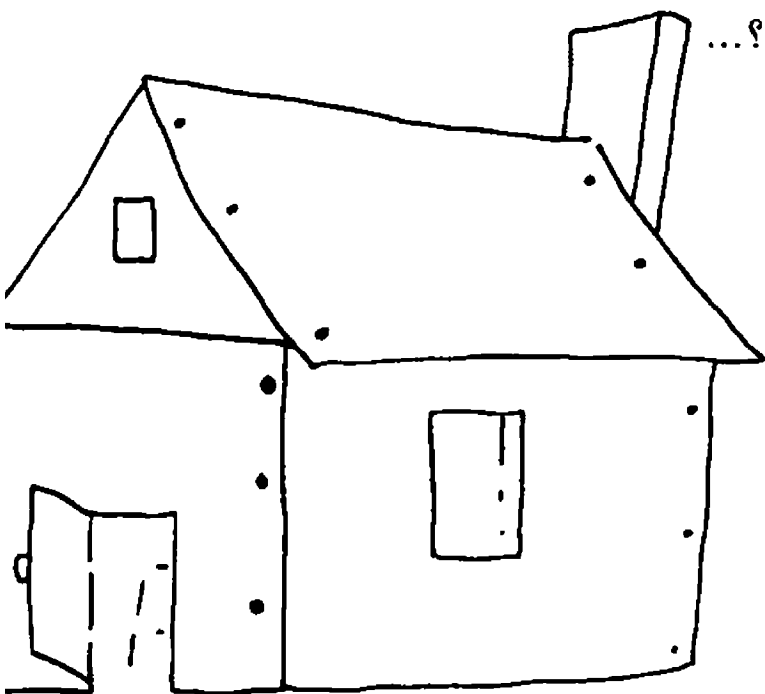
و آن را ارغوانی و پرتقالی و آبی می کنیم

حالا که نشاتان دادم

چطوری خانه را بسازید

دلتان می خواهد راه خوبی را یادتان بدهم

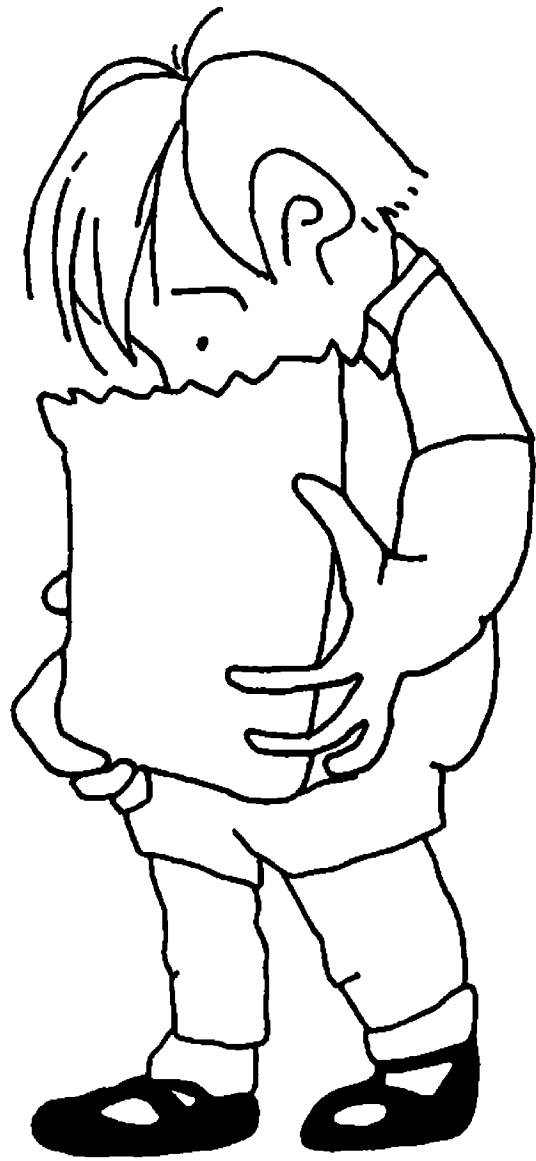
که چطور آن را خراب کنید؟...



Let's Build!

Lets make sister a house
For her dolly.
First we cut up some pieces
Of wood
Then nail them together
As best as we could
From cardboard we make
Her a chimney so red
And from matchsticks we
Make her a cute dolly bed
Then we put on the roof
Whit some thumbtacks and glue
And paint it all purple and
Orange and blue.
And now that I've shown you
Just how to make it,
Do you want to know a good way
To break it?...





دیگه شیرینی نداری؟

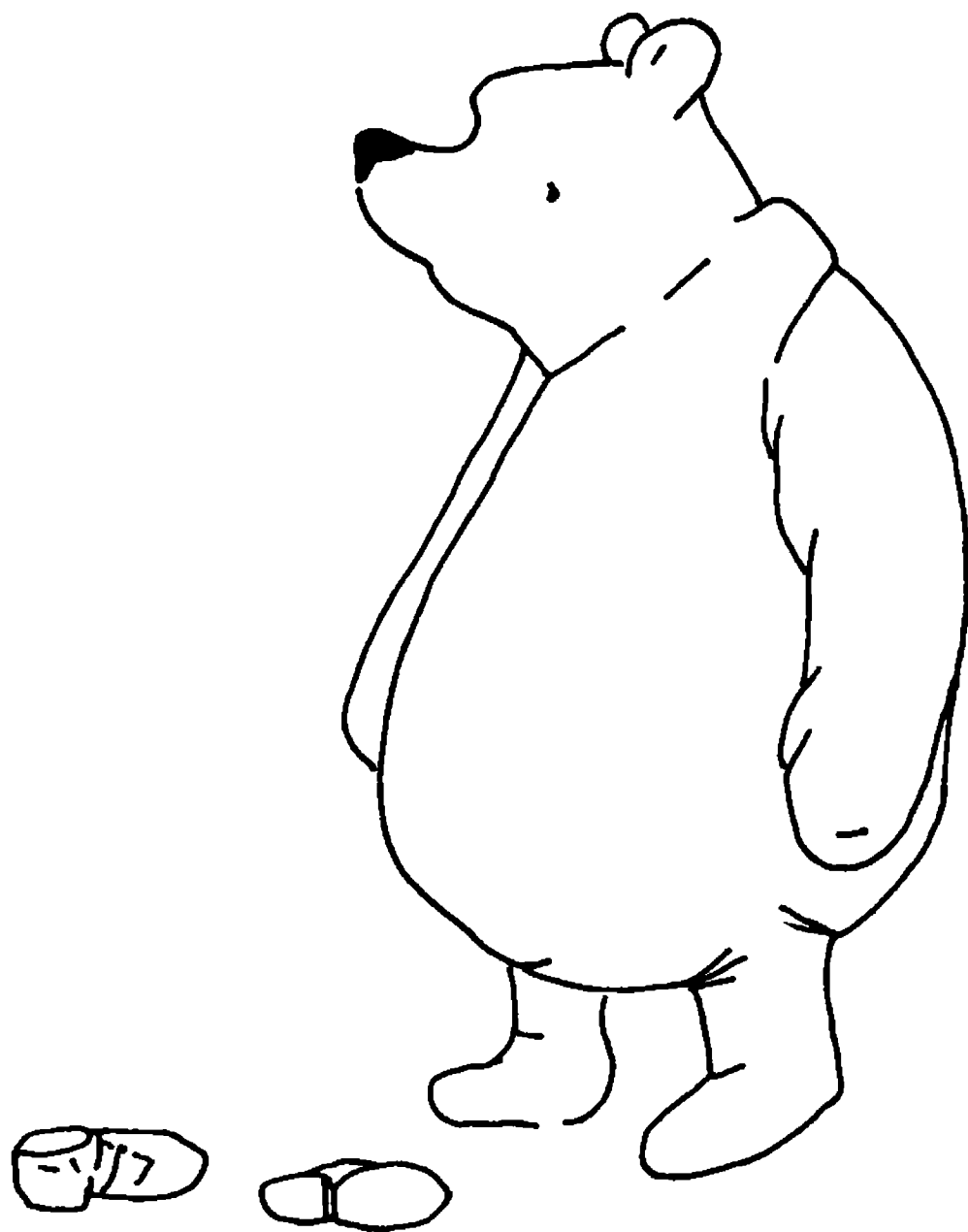
دیگه شیرینی نداری؟
ناراحت نباش
انگشت شست شیرین و قشنگت را
بکن توی دهنت
و مک بزنی!

No More Candy?

No more candy?

Don't be glum.

suck your nice sweet juicy thumb !



شعر فرسی!

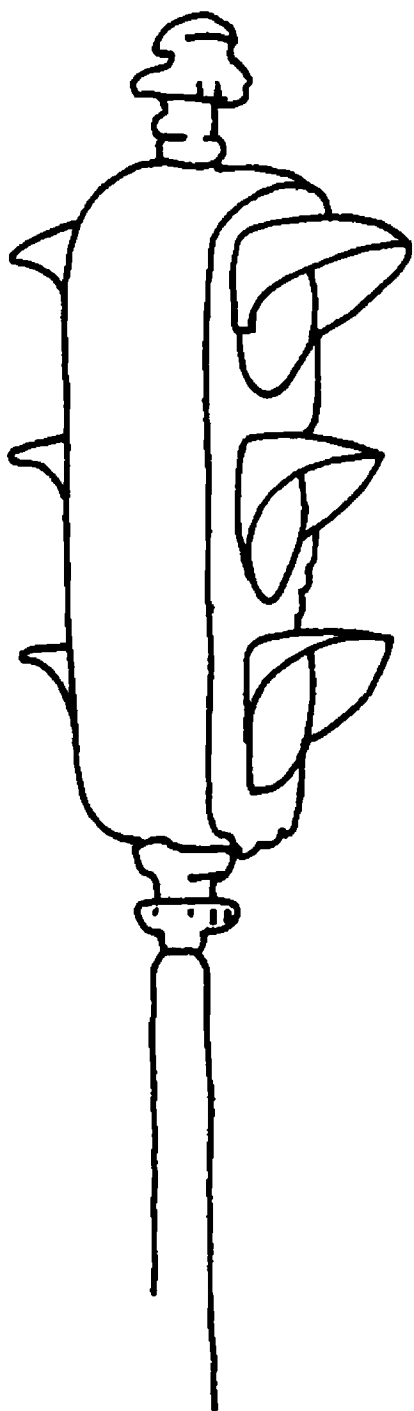
«کریستوفر رابین»
«کریستوفر شمابین»
ردپای کریستوفر بر زمین!
یک خرس باید چیزی داشته باشد
که بخورد!

Pooh's Poem

Christopher ROBIN

Christopher SHMOBIN

A bear has got TO EAT!



چراغهای راهنمایی

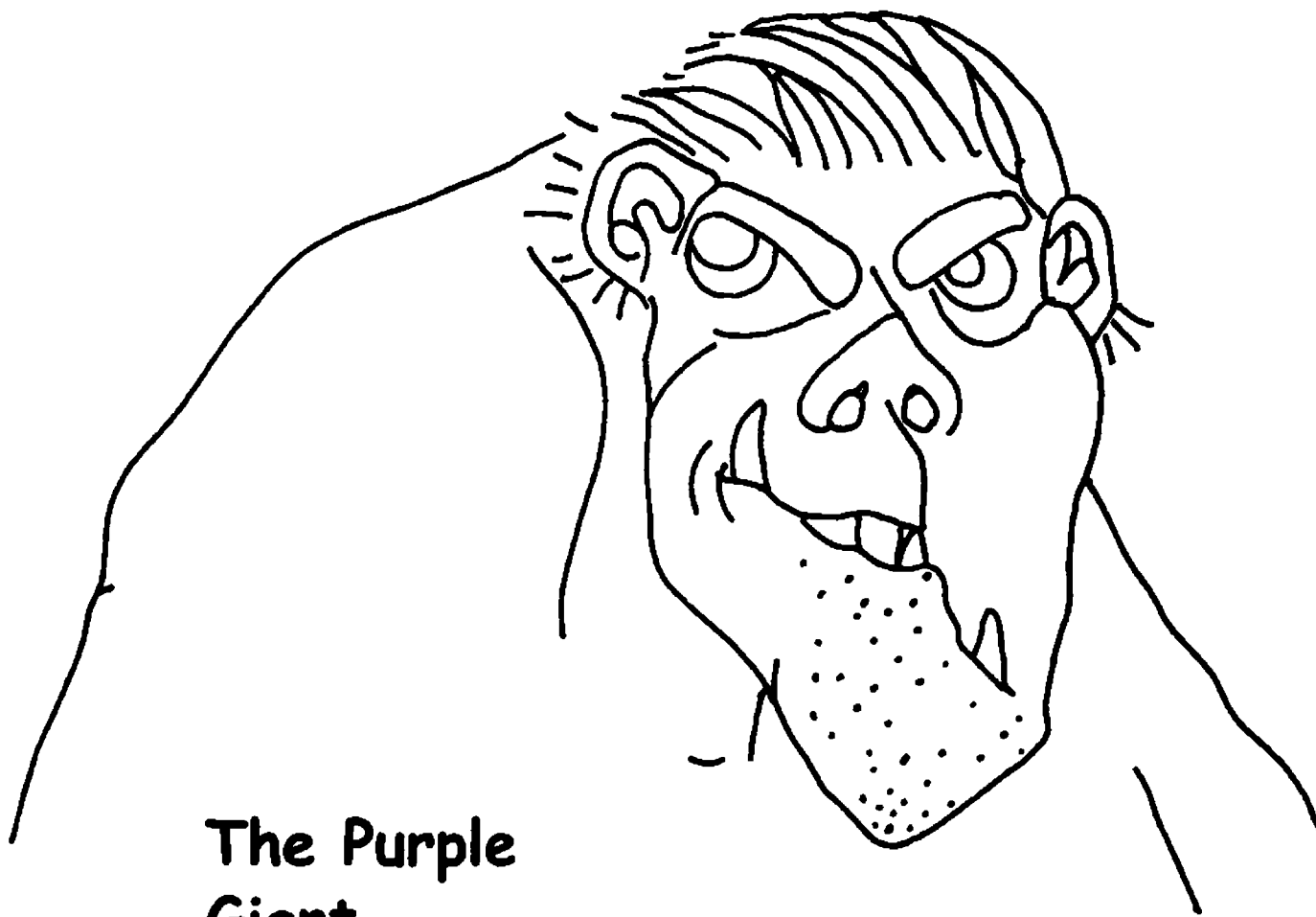
وقتی چراغ قرمز است
نباید راه بری
این را به یاد داشته باش پسرم!
ولی فکر می کنم
بد نباشه
اگر موقع چراغ قرمز
کمی بدوی!

Traffic Lights

**You must not walk
When the light is
Red.
Remember that,
My son.
But I suppose
That it would
Be
All Right...
To
Run!**

غول ارغوانی

غول ارغوانی
شما را نیمه شب خواهد گرفت
و از شما
یک گاز گنده خواهد زد
مگر شما یک قدرت جادویی داشته باشید
که بتوانید او را بترسانید
و این قدرت جادویی را هم وقتی به دست می آورید
که ۲۵ سنت برای عموشلبی بفرستید
به نشانی زیر:
۴۲۸ - خیابان هودسن - نیویورک - آمریکا...



The Purple Giant

**The purple giant
Will get you in the
Middle of the night
The purple Giant will Give you
A great big bite
unless you have a magic charm
To frighten him away
Which you can only get by sending
25 cents to uncle shelby, 428 L
Hudson St., New york, N.Y, U.S.A.**



ملکه قلبها مقداری مربا درست کرد
در یک روز تابستانی
و آدم بد سرزمین قلبها
همه مرباها را دزدید
و با آنها فرار کرد
سلطان سرزمین قلبها
دنبال مرباهایش بود
اما عمو شلبی نمی تواند
با چنین قافیه کودکانه ای شعرش را ادامه دهد! ...

The Queen of Hearts

**She made some tarts
All on a summer day
The knave of hearts
He stole the tarts
And with them ran away
The king of hearts
Called for his tarts
And uncle shelby cannot continue
With such a lewd nursery rhyme!**

پیش دریا

شل سیلوراستاین

همه کار مهمی می‌کنند به جز من

«الویس» یک قهرمان است، یک فوق ستاره
و شنیده‌ام که «پل مک کارتنی» ماشین رولز رویس دارد
و میلیون‌ها نفر به «باب دیلن» گوش می‌دهند
اما من مجانی آواز می‌خوانم ...
و همه کار مهمی می‌کنند، به جز من
من که همیشه مجانی آواز می‌خوانم ...

Every body's making it big, but me

**Elvis he's a hero ... he's a superstar,
And I hear that Paul Mc Carthney drives a Rolls royce car.
And Dylan sings for millions,
And I just sing for free,
oh, everybody's makin' it big but me.
I just sing for free...**

وقتی در شب راه می‌رفتم

وقتی در شب راه می‌رفتم
و در جستجوی پناهگاه گرمی بودم
از کنارم گذشت
گفتم:
«هی نگاه کن! روی مژه‌هایت دانه‌های برف ریخته است»
و او گفت:
«این برف نیست
پره‌های بالشی است که خدا در آسمان تکانده است...»
و سپس لبهای خندانش را گشود
تا برفی را فوت کند
و ما هر دو خندیدیم
بعد به چشمانش نگاه کردم
و دیدم که چشمانش، گرمترین پناهگاه جهان است...

As I walked the night

**As I walked the night
Needing some place warm to go.
As she passed, I said,
"Hey, there's snowflakes on your lashes"
And she laughed and said ,
"That isn't snow..."
She said, "They're feathers from a pillow
God is shaking in the sky".
And she opened smiling lips
To catch a snowflake blowing by.
And we both began to laugh
And then I looked into her eyes,
And it was warm again...**

صدف

من توی ساک کهنه ای کنار دریا، یک صدف پیدا کردم
به او گفتم:

«آقا یا خانم - اجازه بدهید شما را «جک» صدا بزنم

آیا برای صرف یک فنجان چای به خانه من می آیید؟

و شاید هم کمی خوراک شبانه

چون من کمی سوس خوشمزه دارم

که می توانم پشت شما بمالم»

صدف را در قابلمه بزرگ برنجی بار گذاشتم

و آن را دم کردم و جوشاندم

چشمان سبزش سوسوزد

و هی بخار کرد و بخار کرد

و بزرگ و بزرگ و بزرگتر شد

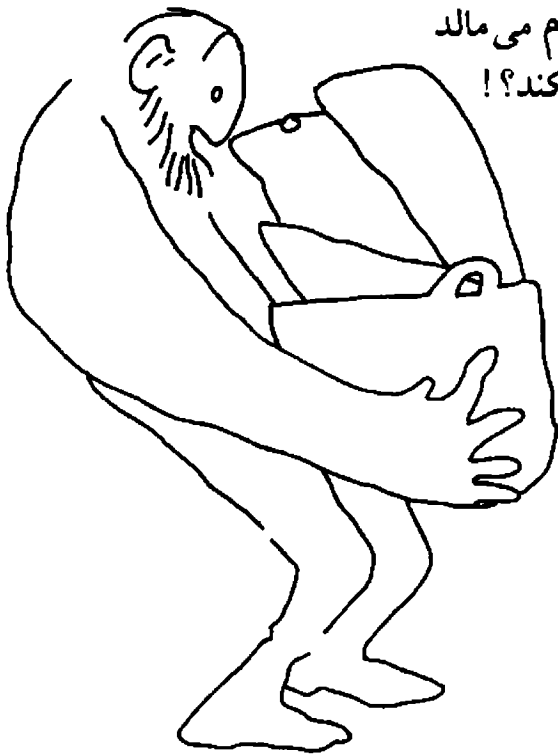
او که اول آنقدر کوچک بود

حالا نه پا قد پیدا کرده است

و من کم کم دارم ناراحت می شوم

چون او دارد سوس خوشمزه ام را پشت خودم می مالد

حالا فکر می کنید او دیگر چه کار می خواهد بکند؟!



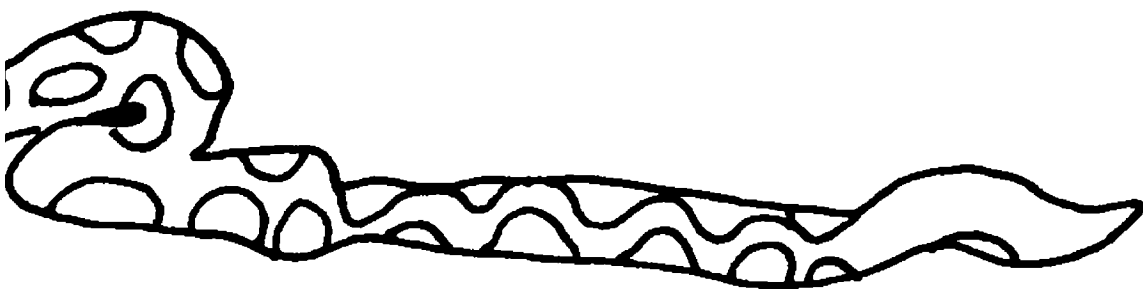
THE CLAM

I found a clam beside the sea inside a seedy sack.
I said to the clam, "Dear sir or ma' am, allow me to
Call you "Jack"
Will you come home with me for a cup of tea
And maybe a midnight snack?
For I have some nice Tobasco sauce
To pour upon your back.

I put the clam in a big brass pot
And boiled a burbling brew,
And his green eyes gleamed
And he steamed and steamed
And he grew... and grew... and GREW...
He was oh so small.... now he's nine feet tall
And I'm feeling rather blue
Cause he's pouring Tabasco sauce on MY back...
Now what do you think he'll do?

مار بوآ

من دارم توسط یک مار بوآ بلعیده می شوم
یک مار بوآ
یک مار بوآ
من دارم توسط یک مار بوآ خورده می شوم
و اصلاً دوست ندارم که یک لقمه شوم ،
آه خدایا ، او دارد قوزک پایم را نشخوار می کند ،
آه ، حالا به زانویم رسیده ،
حالا از زانویم بالا می رود ،
حالا به کمرم رسیده ،
حالا از گردنم بالا می رود ،
حالا ، چه وحشتناک ، اون — ن ن ن



BOA CONSTRICTOR

I'm being eaten by a Boa Constrictor,
A Boa Constrictor,
A Boa Constrictor,
I'm being eaten by a Boa Constrictor,
And I don't like it one bit.
Whadaya know, it's nibblin' my toe.
Now, it's up to my knee.
Now, it's up to my middle.
Now, it's up to my neck.
Oh dread, it's mm-mm-mm-mm...



بیا مرا ببر

در دومین خیابان برادوی
نشسته کنار دری
سرش روی دستهایش
به تمام جهان نگاه می کند
گویی که دعا می خواند
پاها پوشیده در ژنده ای کهنه
او را دیدم
در حالی که سعی می کرد بلند شود،
و بعد، صدایش را شنیدم
او می گفت :
بیا، مرا ببر «گری»^۱
مرا کمی دورتر ببر
مرا یک مایل جلوتر ببر
نمی دانم یک مایل جلوتر کجاست ...
ولی می دانم اگر به تو تکیه دهم
می توانم به آنجا بروم
پس بیا مرا ببر «گری»
مرا کمی دورتر ببر ...»

۱ - Carrie مخفف کارولین - اسمی دخترانه است.

CARRY ME, CARRIE

**Second Street and Broadway
Sittin' in a doorway
Head held in his hands
Looked to all the world
Like he was prayin'.
Foot wrapped in old rag,
I saw him trying to stand
Then I heard the words that he was sayin'**

**He said...
Come on, Carrie,
Carry me a little farther
Come on, Carrie,
Carry me one more mile.
I don't know where it's leadin' to,
But I know I can make it if I lean on you,
So come on, Carrie,
Carry me a little**

بگذار چیزی باشم

اگر نمی توانم همیشه مالِ تو باشم
اجازه بده گاهی ، زمانی از آنِ تو باشم

و اگر نمی توانم گاهی زمانی از آنِ تو باشم
بگذار هر وقت که تو می گویی ، کنارِ تو باشم

اگر نمی توانم دوست خوب و پاکِ تو باشم
اجازه بده دوست پست و کثیفِ تو باشم

اگر نمی توانم عشقِ راستینِ تو باشم
بگذار باعث سرگرمیِ تو باشم

اما مرا این طوری ترک نکن
بگذار در زندگی تو ، دست کم چیزی باشم ...

Let me be something

If I can't be your all - the - time

Lemme be your now - and - then - ner

And if I can't be your now - and - then

Lemme be your you - tell - me - when - ner

And if I can't be your Mr. Clean

Lemme be your Mr. Dirty

If I can't be your serious Love

Lemme be your just - for - funner

Baby, don't you leave me this way...

Lemme be **somthin'**...

تعجب نکن

من قبول می کنم که قد بلند و خوش قیافه نیستم
و قبول می کنم که سرم دارد طاس می شود
قبول دارم کمی چاقم
و چند عیب دیگر مانند آن ...
پس تعجب نکن اگر گوشه ای می نشینم
و تنها با خجالت پوزخندی می زنم ...

Do you wonder

Oh, I'll admit that I ain't tall and handsome

And I'll admit my hair is gettin' thin

And I'm gettin' sort of fat

And some other things like that

So do you wonder why I sit and shyly grin...

لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغها

لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغها و دروغها
لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغها
من برای شما آوازی می‌خوانم و سپس دور می‌شوم
با لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغهایم
ممکن است شما را شگفت زده کنم،
ممکن است کاری کنم که شما لبخند بزنید
ممکن است اشک به چشمانتان بیاورم
اما وقتی ناپدید شوم، خدایا...
شما آرزو می‌کنید که ای کاش باز اینجا بودم
با لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغهای بیشتر...
چون من شما را به جاهایی می‌برم که پیش از این هرگز آنجا نبود
با لالایی‌ها، افسانه‌ها و دروغهایم...

LULLABYS, LEGENDS AND LIES

**Lullabys, legends and lies and lies,
Lullabys, legends and lies.
I'll sing you a song then I'll shuffle along
With my lullabys, legends and lies.**

**I may make you wonder, I may make you smile.
I may bring the tears to your eyes,
But when I disappear, Lord, you'll wish I was here
With more lullabys, legends and lies.
I'll take you to places you ain't been before
With my lullabys, legends and lies.**

مادر، من برای تو می‌خوانم

من در جاده‌های غبارآلود آواز خوانده‌ام
و در پیاده روهای کثیف شهرها
برای اشک آوردن به چشمان بیرحم مردان جنگل
در راه آهن آواز خوانده‌ام
و در اتاقهایی با کاغذ دیواری آبی
و برای کسانی که دوستشان داشتم
اما حالا مادر... می‌خواهم تنها برای تو بخوانم
بگذار بگویم مادر که من هرگز
خاطره چیزهای قشنگی را که می‌گفتی از یاد نبرده‌ام
و کارهای لطیفی که انجام می‌دادی
و هرچند بزرگ شده‌ام
اما این آواز را برای تو می‌خوانم
ممکن است بگویی که دلت می‌خواهد کنارت باشم
تا در زمستان یاری‌ات کنم
اما تو می‌دانستی
و با لبخندی مشتاق اعتراف می‌کنی
که پسر ت بلند نیست جایی بند شود
هنوز حرفهایی برای گفتن هست...
و مادر...
من این آواز را تنها برای تو می‌خوانم...

MAMA, I'LL SING ONE SONG FOR YOU

**I've sung my songs on dusty roads
And dirty city sidewalks,
To sweatin' hard-eyed brakemen,
In the rail yards I rolled through.
I've sung in blue wallpapered rooms
To whom I loved
Now Mama... I'll sing one song for you.**

**Mama, let me tell you that I've never lost the memory
Of the tender things you told me,
And the gentle things you'd do.
And though I've grown away
Mama... I'll sing one song for you.**

**You say you'd like to have me here
To help you through the winter
But you say it with a wistful smile
Like you already knew
That your boy's no good at stayin
Still there's words that need sayin
And Mama ... I've sung one song for you.**

پری دریایی

وقتی دوازده ساله بودم
عادت داشتم به تصویر پریان دریایی در کتابها و مجلات نگاه کنم ،
و آنقدر بزرگ شده بودم که بفهمم
آنها واقعاً وجود ندارند.
ولی همیشه فکر می کردم
اگر آنها واقعاً وجود داشتند ،
ما باید با آنها چه کار می کردیم
اگر تصادفاً یکی از آنها به تورمان می خورد؟! ...

The mermaid

**When I was twelve years old
I used to see the pictures of mermaids.
And I was old enough
That I knew that they didn't really exist,
But , I also wondered, if they did exist,
What the hell would you do with one
*If you caught it?!***

نشر نامیرا از انتقادات، نظرات و پیشنهادات شما
در بارهٔ این کتاب و سایر موضوعات ادبی و هنری استقبال می‌کند.

لطفاً برای دریافت بروشور انتشارات و ارسال نقدها و نظرات خود
با صندوق پستی تهران - ۴۸۳۷-۱۴۱۵۵ مکاتبه نمایید.

از نقدها و نظرات شما در مجموعه‌های سالانهٔ انتشارات، استفاده
خواهد شد. پیشاپیش از توجه و همکاری شما سپاسگزاریم.

آثار دیگر مترجم:

سلام به ناممکن / مجموعه شعر / نشر افق / ۱۳۷۶
آبی کوچک عشق / گزیده اشعار عاشقانه جهان / نشر نامیرا / ۱۳۷۸
عشق در زمان ما / سه قصه روان شناختی / نشر نامیرا / ۱۳۷۸
دو زن و مرد در آکواریوم / نمایش بداهه / تادموسل / نشر نامیرا / ۱۳۷۸
راحیل / نمایشنامه / ۱۳۷۷ / نشر جهاد دانشگاهی
دخترک شب طولانی / نمایشنامه / ۱۳۷۸ / نشر جهاد دانشگاهی
یک زرافه و نیم و خواب مارلین خوشگله / شل سیلوراستاین و مایکل دوگان /
نشر نامیرا / ۱۳۷۹
باغ وحش رویایی و هجده سال به بالا ممنوع / شل سیلوراستاین و فالکو /
نشر نامیرا / ۱۳۷۹

نشر نامیرا منتشر کرده است:

آبی کوچک عشق / گزیده اشعار عاشقانه جهان / ترجمه و انتخاب: چیستا یثربی
عشق در زمان ما / سه قصه روان شناختی / ترجمه و تحلیل: چیستا یثربی
دو زن و دو مرد در آکواریوم / تجربه‌ای در تئاتر درمانی / تادموسل /
ترجمه و تحلیل: چیستا یثربی
قصه‌های جزیره / قصه زندگی سارا استنلی و فیلیسیتی کینگ / لوسی ماد مونت‌گومری
مترجمان: چیستا یثربی - نسیم سلطان‌زاده - شقایق قندهاری - جلد اول و دوم
عشق سوم / مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان / بامقالاتی‌از
شیرین عبادی - دکتر فاطمه قاسم‌زاده، دکتر شیوا دولت‌آبادی، دکتر زهرا معتمدی
توران میرهادی، عباس شادروان، جواد ذوالفقاری و...
یک زرافه و نیم و خواب مارلین خوشگله / شل سیلوراستاین و مایکل دوگان /
ترجمه: چیستا یثربی
باغ وحش رویایی و هجده سال به بالا ممنوع / شل سیلوراستاین و فالکو /
ترجمه: چیستا یثربی

The Queen of hearts
and
The mermaid
(Uncle shelby's kiddie corner)

Shel Silverstein

Selected and Translated by:
Chista Yasrebi

Tehran
Namira Press
2001

عشق فرصتی برای پرواز کردن، به هوا پريدن و زمين خوردن به آدم می ده
و این عالی است! ...
متشکرم!

اگر نمی توانم همیشه مال تو باشم
اجازه بده گاهی، زمانی از آن تو باشم
و اگر نمی توانم گاهی زمانی از آن تو باشم
بگذار هر وقت که تو می گویی، کنار تو باشم ...
خواهش می کنم بگذار در زندگی تو، دست کم چیزی باشم.



«شل سیلوراستاین» در تمام جهان، به عنوان شاعر عشق و آزادی و لبخند شناخته شده است. ما او را در ایران به عنوان یار کودکا و دلهای پرشور می شناسیم. اما در این کتاب، برای نخستین بار، با چهره جدیدی از «سیلوراستاین» آشنا می شویم و آن «شاعر عاشق» است. شاعر: که عشق را نیز همچون لبخند، اساس زندگی آدمی می داند و خود در جایی می گوید: «عشق فرصتی برای پرواز کردن و زمين خوردن به آدم می دهد و این عالی است!»

«ملکه قلبها» کتابی است که مدتها باعث بحث و جنجال فراوانی در مجامع غربی بوده است، چرا که در آن اصول تربیتی مکاتب روانشناسی و مربیان قانون گرا زیر سؤال می رود. «سیلوراستاین» در این کتاب، با دیدگاهی نو و جسورانه و در قالب طنز همیشگی خود، نگاه خشک و انعطاف ناپذیر نظام آموزشی را از دیدگاه عاصی کودکان مطرح می کند. در کتب «پری دریایی» با اشعار عاشقانه «سیلوراستاین» آشنا می شویم. اشعاری که همگی به ترانه بدل شده اند و امروزه درس و شاعر، به نوعی جزء حافظه جمعی دوستداران او به شمار می روند. این دو کتاب برای اولین بار است که به فارسی ترجمه می شوند.



۷۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۱۴۴-۰۷-۵
ISBN: 964-7144-07-5